نکته

چرا بعضی از افراد به جراحی زیبایی اعتیاد دارند

روانشناسان معتقدند یکی از مهمترین عوامل اعتیاد به جراحی زیبایی راضی نبودن از تصویر خویشتن است. همین موضوع باعث می‌شود بعضی از افراد به جراحی‌های زیبایی مکرر رو بیاورند و دیگر به عواقب و عوارض آن هم فکری نکنند. یعنی برای این افراد فرقی نمی‌کند در چه شرایطی هستند، در بدترین شرایط شخصی و اجتماعی هم نمی‌توانند از جراحی زیبایی بگذرند. درست مانند کسانی که در روزهای اوج شیوع ویروس کرونا، هنوز هم به کلینیک‌های زیبایی مراجعه می‌کنند و خطر ابتلا به این ویروس کشنده را به جان می‌خرند. اما نشانه‌های اعتیاد به جراحی زیبایی چیست و چه افرادی در معرض این اعتیاد عجیب و غریب قرار دارند؟

اختلالات بدریختی

به گفته روانشناسان، اختلالات روانشناختی در بین متقاضیان جراحی زیبایی که به دلیل یک مشکل کوچک، تخیلی و بسیار خفیف چندبار یک عمل جراحی زیبایی را انجام می‌دهند، بسیار زیاد است. کسانی که با وجود نقص‌های بسیار جزیی که اصلاً به چشم دیگران نمی‌آید، هر چند وقت یک‌بار خطرات جراحی پلاستیک را به جان می‌خرند، بیشتر دچار پریشانی روانشناختی، عزت نفس پایین و تحریف تصورات بدنی از خود هستند. تحقیقات نشان می‌دهد اختلال بدریختی بدنی در متقاضیان جراحی زیبایی بسیار شایع است. کسانی که دچار اختلال بدریختی هستند، درباره ظاهر یک یا چند قسمت از بدن خود، همواره اشتغال ذهنی دارند که در حد شدید و بیمارگونه است و برای برطرف کردن این تصویر ذهنی ممکن است جراحی‌های متعددی انجام دهند. روانشناسان معتقدند این افراد تصویری که از خود در آینه می‌بینند، تصویر واقعی خودشان نیست، بلکه تصویر بدتری از خودشان می‌بینند و احساس می‌کنند که بسیار زشت و بدریخت هستند.

اختلال وسواس

یکی دیگر از عوامل گرایش به انجام جراحی‌های زیبایی متعدد، اختلال وسواس است. افرادی که دچار این اختلال هستند درست شبیه کسانی که اختلال بدریختی دارند، روی یک قسمت از بدن زوم می‌کنند و تا وقتی تصور ذهنی که از آن قسمت دارند به آن چیزی که می‌خواهند شبیه نشود به جراحی ادامه می‌دهند. روانشناسان معتقدند اختلال وسواس با اختلال بدریختی نوعی همپوشانی دارد. فقط این افراد به صورت وسواس گونه درباره قسمت‌های بدن خود تفکرات وسواسی دارند. تفکرات وسواسی باعث استرس و اضطراب و کاهش اعتمادبه‌نفس در افراد می‌شود که این افراد سعی می‌کنند با انجام جراحی زیبایی این موارد را برطرف کنند.

اختلال شخصیت نمایشی

کسانی که اختلال شخصیت نمایشی دارند مدام ظاهرشان را با دیگران مقایسه می‌کنند. این افراد به شکل افراطی به ظاهر خود می‌رسند، اما هیچ‌وقت نمی‌توانند از مقایسه ظاهر خود با دیگران دست بکشند. این افراد برای اینکه در مقایسه با دیگران امتیازهای بیشتری به دست بیاورند مجبور هستند عمل جراحی زیبایی را انتخاب کنند؛ اما گاهی این اختلال شدت می‌گیرد و فرد بعد از انجام جراحی‌های زیبایی متعدد و پیدا کردن ظاهر جدید هم باز راضی نمی‌شود و به مقایسه با دیگران و البته انجام جراحی‌های زیبایی متعدد همچنان ادامه می‌دهد.

نگاهی به پدیده جراحی‌های افراطی حتی در دوران همه‌گیری

زیبایی ولو به قیمت مرگ!

گزارش

آنها هیچ‌وقت از ظاهرشان راضی نیستند. یک ذره‌بین دست‌شان است و مدام روی خودشان زوم می‌کنند تا عیب جدیدی پیدا کنند. آنها می‌خواهند بی‌عیب باشند، اما کسی نمی‌داند دقیقاً این بی‌عیبی ظاهری چیست و چه معیارهایی برای آن وجود دارد؟ برای همین هم هست که رفتار معتادگونه پیدا می‌کنند و به کارهای افراطی روی می‌آورند. این افراد جراحی زیبایی را دوست دارند؛ چون قرار است آنها را به تصویری که دوست دارند، برساند. حالا فرقی نمی‌کند چندبار بیهوش و جراحی می‌شوند. فقط باید این روند - حالا هر چندبار که لازم است - طی شود تا آن تصویر نهایی و مورد پسند به دست آید. شرایط جامعه هم چندان روی تصمیم این افراد تأثیر نمی‌گذارد. یعنی آنها برای رسیدن به ظاهری که دوست دارند هیچ مانعی نمی‌بینند، حتی اگر کشور در وضعیت قرمز کرونایی باشد و رفتن به مراکز درمانی و کلینیک‌های زیبایی، داروخانه و... یک ریسک بزرگ برای سلامتی آنها تلقی شود.

الهام اسماعیلی
روزنامه‌نگار

صورت عروسکی با ۳ بار جراحی بینی

سمیرا ۲۶ ساله در یک سال گذشته و در شرایط قرمز کرونایی کشور، سه بار جراحی بینی انجام داده است. یک‌بار به گونه‌هایش ژل تزریق کرده و دو بار برای لیفت ابرو راهی کلینیک زیبایی شده است. او دو هفته دیگر هم می‌خواهد برای زاویه‌سازی صورت به یک کلینیک خصوصی برود. برای او قرمز بودن تهران هیچ معنای خاصی ندارد، اما به قول خودش، پروتکل‌ها را رعایت می‌کند. سمیرا می‌گوید: «من خیلی رعایت می‌کنم. آنجا هم کلینیک است دیگر! یک محیط کاملاً بهداشتی. آنها که نمی‌خواهند کلینیک‌شان بدنام شود. برای همین همه نکات بهداشتی در آن رعایت می‌شود. من سال گذشته سه‌بار دماغم را عمل کردم. خدا را شکر هیچ مشکلی نداشتم. همه ماسک داشتند و محیط کلینیک هم مدام ضدعفونی می‌شد.» سمیرا دستی روی تیغه بینی‌اش می‌کشد و می‌گوید: «من می‌خواستم بینی‌ام عروسکی شود. راستش آن دو دکتر قبلی خیلی کارشان خوب نبود، اما این دکتر که برای بار سوم بینی‌ام را جراحی کرد، خیلی کارش خوب است و همان مدلی که می‌خواستم برایم درست کرد. من نمی‌خواستم در این وضعیت کرونایی سه بار عمل زیبایی بینی انجام دهم اما چون دماغم عروسکی نشده بود و دوستان‌ام به من می‌گفتند انگار نه انگار عمل کرده‌ای، مجبور شدم دوباره به کلینیک بروم.»

افسردگی بعد از زایمان و عمل‌های افراطی

سپیده ۳۰ ساله است. دو سال از زایمان‌اش می‌گذرد؛ زایمانی که باعث افسردگی‌اش شد تا به جای درمان افسردگی راهی برای فرار از آن پیدا کند. همسر سپیده می‌گوید: «ما زندگی خیلی خوبی داشتیم. دخترم که به دنیا آمد، زندگی‌مان زیباتر هم شد، اما همسرم به افسردگی بعد از زایمان مبتلا شد و مدام از ظاهرش گلایه می‌کرد. هر روز جلوی آینه می‌ایستاد و گریه می‌کرد و می‌گفت صورت‌ام خیلی خراب شده و اندام‌ام به هم ریخته است. به پیشنهاد یکی از دوستان‌اش به یک پزشک جراحی زیبایی مراجعه کردیم. با خودم گفتم حتماً با یک عمل جراحی کوچک حال‌اش عوض می‌شود. قرار بود فقط چربی‌های شکم و بازوهایش را بردارند. همین.» اما چند ماه بعد سپیده از ناحیه غبغب‌اش اظهار ناراحتی کرد. همسر سپیده می‌گوید: «عمل غبغب تازه شروع بقیه جراحی‌ها بود که هر بار به صورت شدیدتر از قبل انجام می‌شد. او انگار به مواد بیهوشی و اتاق عمل و پزشک جراح اعتیاد پیدا کرده بود. بعد از غبغب نوبت به جراحی بینی رسید، بعد گذاشتن گونه و زاویه‌دار کردن صورت. بعد هم بالا بردن پلک و لیفت ابرو...» سپیده در مدت دو سال حدود ۷ تا ۸ جراحی بزرگ و کوچک و سرپایی انجام داده است. او حتی در دوران کرونا و زمانی که توصیه می‌شد در خانه بمانید و کمتر در اماکن شلوغ رفت‌وآمد کنید، ساعت‌ها در صف آزمایشگاه و رادیولوژی می‌نشسته تا به ظاهری که دل‌اش می‌خواهد دست پیدا کند، اما این جراحی‌ها و این رفت‌وآمدها هیچ نقطه پایانی ندارد. این را همسر سپیده می‌گوید: «می‌ترسم کارمان به جدایی بکشد. سپیده همه طلاهای‌اش را برای جراحی‌های بی‌مورد فروخته است. این کارها خرج دارد. یک عمل سرپایی کوچک حداقل ۵ میلیون خرج دارد. کلی هم پول آزمایش و دارو و مراقبت‌های بعد از جراحی می‌شود. در آمد من هم بد نیست و می‌توانم خرج جراحی‌هایش را بدهم، اما اگر بدانم کی این کارها تمام می‌شود خیلی خوب می‌شود. سپیده قرار بود از افسردگی بعد از زایمان خلاص شود اما حالا وسواس زیبایی پیدا کرده است. مدام از من و دوستان‌اش می‌پرسد دماغ‌اش عیب نکرده، ابروهایش بالا و پایین نیست؟ صبح تا شب خودش را در آینه برانداز می‌کند. سرش هم مدام توی پیج‌های اینستاگرامی است تا مبادا جراحی زیبایی جدیدی را از دست بدهد. دیگر از زندگی افتاده‌ایم. ما یک دختر زیبا داریم که کلی به توجه مادرش نیاز دارد، اما مادرش مدام یا جلوی آینه است یا از این کلینیک به آن کلینیک می‌رود.» همسر سپیده برگه آزمایش زن‌اش را به خانم منشی می‌دهد و می‌گوید: «کاش فقط یک‌بار به من بگوید که کی این کارها تمام می‌شود؟»
سپیده می‌خواهد برای بار دوم بینی‌اش را جراحی کند؛ چون یکی از دوستان‌اش به او گفت دماغ عروسکی دیگر مد نیست!

> صبح تا شب خودش را در آینه برانداز می‌کند. سرش هم مدام توی پیج‌های اینستاگرامی است تا مبادا جراحی زیبایی جدیدی را از دست بدهد. دیگر از زندگی افتاده‌ایم

دلیل طلاق؛ علاقه به جراحی

شیرین ۳۶ ساله و فارغ‌التحصیل لیسانس زبان فرانسه است. او یک سال قبل از همسرش جدا شد، چون همسرش نمی‌توانست دلیل علاقه شیرین به جراحی زیبایی را درک کند. این را شیرین می‌گوید و آینه نقره‌ای را از کیف‌اش بیرون می‌آورد و صورت‌اش را برانداز می‌کند. البته برای بار سوم در پنج دقیقه. شیرین می‌گوید: «همه فکر می‌کنند من ۲۵ ساله هستم. همه اینها دلیل دارد. چون من خیلی به خودم می‌رسم. خانم‌ها باید به صورت‌شان برسند. اصلاً از قدیم گفته‌اند هوا را از من بگیر اما جراحی پلاستیک را نه.» این سخنان را می‌گوید و با صدای بلند می‌خندد. شیرین می‌گوید: «مردم فکر می‌کنند جراحی زیبایی پول زیادی می‌خواهد اما وقتی کسی برای عطر و کیف و کفش و طلا پول می‌دهد چیزی نمی‌گویند. خب هر کسی دوست دارد زیبا باشد. من هم خودم کار می‌کنم و پول‌هایم را جمع می‌کنم و بعد هر عملی که دوست داشته باشم انجام می‌دهم. هیچ‌کس هم نمی‌تواند جلوی مرا بگیرد.»
در ادامه شیرین سکوت می‌کند و دوباره آینه خود را درمی‌آورد تا خودش را دوباره برانداز کند. آینه را که داخل کیف‌اش می‌گذارد، می‌گوید: «من به خاطر زیبایی از همسرم گذشتم. من خیلی همسرم را دوست داشتم اما اصلاً به خودش زحمت نمی‌داد که مرا درک کند. من هیچ پولی از او نمی‌خواستم. خودم درآمد داشتم، اما مدام می‌گفت کارهایت افراطی است و چرا مدام به خودت می‌رسی و... من هم توافقی از او جدا شدم. مهریه و حق و حقوق‌ام را هم نگرفتم. وقتی کسی مرا با علاقه‌هایم دوست ندارد، خب ندارد. مگر جراحی زیبایی چه اشکالی دارد؟ به کسی که ضرری نمی‌زنیم. اگر قرار است مشکلی پیش بیاید برای خود من است. تازه اتفاقی نمی‌افتد که، آخرش مرگ است. همه می‌میرند. در این بین فقط من زیباتر می‌میرم.»
شیرین برای کوچک کردن بازوهایش به کلینیک زیبایی آمده است. خواهرش می‌گوید روزهای اول فقط به صورتش گیر می‌داد، اما حالا این موضوع به دست‌ها و پاهایش هم رسیده است. شیرین می‌گوید: «وقتی همه صورت‌ام زیباست اندام من هم باید زیبا و خوش‌قواره باشد. من اهل رژیم و ورزش و سختی کشیدن نیستم. وقتی با دو ساعت بیهوشی و چند خرج میلیون پول مشکل حل می‌شود چرا نباید انجام دهم؟»
شیرین دوباره ماسک‌اش را پایین می‌آورد و دستی روی بینی‌اش می‌کشد: «این ماسک‌ها هم بلای جان ما شده است. بینی‌ام درد گرفت از بس ماسک زدم.» خواهرش می‌گوید اگر اصرار نداشتی تو این روزهای شلوغ و وضعیت قرمز کرونا عمل کنی مجبور نبودی این ماسک را روی دماغ نازنین‌ات تحمل کنی.

بهزاد ۲۷ ساله، عشق سینما

بهزاد ۲۷ ساله است. تا حالا یک‌بار گوش‌هایش را عمل کرده، یک‌بار بینی‌اش و یک‌بار هم چانه‌اش را. او حالا برای عیب‌گیری بینی‌اش به کلینیک مراجعه کرده است. ماسک‌اش را پایین می‌آورد و خط روی بینی‌اش را نشان می‌دهد: «این خط باید برداشته شود. دکتر گفت خیلی کار ندارد. یک عمل جراحی کوتاه است، اما باید انجام می‌دادم.» ماسک‌اش را دوباره درست می‌کند. برای او فرقی نمی‌کند که این روزها رفت‌وآمد به مراکز درمانی و کلینیک و اماکن شلوغ خطرناک است. او هدف دارد و برای رسیدن به هدف‌اش هر چقدر که جراحی زیبایی نیاز داشته باشد، انجام می‌دهد. بهزاد فروشنده یک مغازه لوازم برقی در لاله‌زار است، اما رؤیای سینما و بازیگر شدن رهایش نمی‌کند: «هدف من همین است. اصلاً برای همین هدف زندگی می‌کنم. من کار می‌کنم تا وسایل رسیدن به هدف‌ام را جور کنم. دیگر چیزی نمانده.» بهزاد تا سوم دبیرستان درس خوانده و اعتقاد دارد تحصیلات آکادمیک و آموزش هیچ تأثیری ندارد و برای بازیگری فقط به چهره زیبا نیاز دارد: «دیگر دوران خسرو شکیبایی و پرویز پرستویی گذشته است. الان هر بازیگر که چهره زیباتری دارد روزگار بهتری هم دارد. اصلاً نیاز نیست نامی ببریم. همه می‌دانند بازیگران دماغ عملی و با صورت‌های زیبا طرفداران بیشتری دارند.» بهزاد فعلاً در مغازه لوازم برقی کار می‌کند و با ۳ میلیون حقوقی که در ماه می‌گیرد می‌خواهد چهره و اندام‌اش را برای بازیگر شدن آماده کند. اصلاً هم فرقی ندارد که چند عمل جراحی زیبایی انجام دهد، مهم این است که چهره‌اش کارگردان را جذب کند.